

بازنمایی قدرت در سخنرانی سید حسن نصرالله براساس نظریه کنش‌های گفتاری

روح‌الله صیادی‌نژاد (نویسنده مسئول)^۱، زینب رحیمی‌مقدم^۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران،

saiady@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران،

rahimizanab@yahoo.com

چکیده

تحلیل گفتمان شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به بررسی زبان در بستر اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. در تحلیل گفتمان، هدف فقط فهم واژه‌ها نیست، بلکه کشف قدرت، ایدئولوژی و روابط پنهان در پس گفتار است. تحلیل گفتمان نشان می‌دهد چگونه زبان می‌تواند ابزار سلطه، مقاومت یا اقناع باشد. این رویکرد با ترکیب زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه، به مطالعه معنا در تعاملات واقعی انسان‌ها می‌پردازد. در تحلیل گفتمان، متن به تنهایی کافی نیست؛ بلکه زمینه، گوینده، مخاطب و هدف گفتار نیز اهمیت دارد. تحلیل گفتمان سطحی فراتر از تحلیل صرفاً زبانی دارد؛ یعنی بررسی می‌کند که هر کنش گفتاری در متن و موقعیت خاص خود چه تأثیری بر روابط قدرت، هویت و معنا می‌گذارد. بنابراین، نگارندگان برآنند با هدف بازنمایی قدرت در سخنرانی سیاسی سید حسن نصرالله پیرامون دهمین سالگرد پیروزی در جنگ تموز با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی به تطبیق نظریه کنش‌های گفتاری بر سخنرانی ایشان بپردازند. از این رو، جمع‌آوری داده‌ها با انتخاب نمونه‌های عینی بر مبنای مطالعات الکترونیکی بوده‌است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که کنش‌های اظهاری و کنش‌های تعهدی به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد را در این سخنرانی به خود اختصاص داده‌اند. کنش‌های گفتاری ترغیبی نصرالله با زبان دعوت، تشویق و گاه هشدار، مخاطبان خود را به ایستادگی، وحدت و مقاومت فرا می‌خواند. نوع کنش‌ها برانگیختن عزم جمعی و استمرار گفتمان مقاومت است. با کنش‌های عاطفی خود، پیوند عاطفی میان رهبر و ملت را تقویت کرده و گفتمان را انسانی‌تر می‌سازد، نصرالله با ترکیب هوشمندانه‌ی کنش‌های ترغیبی، التزامی، اظهاری، بیانی و اعلامی، گفتمانی می‌سازد که همزمان عقلانی، عاطفی و ایدئولوژیک است و در خدمت تثبیت هویت مقاومت قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: سید حسن نصرالله، کنش گفتاری، گفتمان سیاسی، قدرت، جنگ تموز.

تمثيل القوة في خطاب السيد حسن نصر الله استناداً إلى نظرية الأفعال الكلامية

روح الله صيادي نجاد (الكاتب المسؤول)^١، زينب رحيمي مقدم^٢

١. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات الأجنبية، جامعة كاشان، كاشان، إيران،

saiady@kashanu.ac.ir

٢. طالبة الدكتوراه في اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب و اللغات الأجنبية، جامعة كاشان، كاشان، إيران،

rahimizanab@yahoo.com

الملخص

تحليل الخطاب فرعٌ من فروع اللسانيات يَعْنِي بدراسة اللغة في سياقها الاجتماعي والثقافي. وفي تحليل الخطاب لا يقتصر الهدف على فهم الألفاظ فحسب، بل يتجاوز ذلك إلى الكشف عن القوة والأيديولوجيا والعلاقات الخفية الكامنة وراء الخطاب. يُبين تحليل الخطاب كيف يمكن للغة أن تكون أداةً للهيمنة أو المقاومة أو الإقناع. ويعتمد هذا المنهج على الجمع بين اللسانيات وعلم الاجتماع والفلسفة لدراسة المعنى في التفاعلات الإنسانية الواقعية. وفي تحليل الخطاب لا يكون النصّ وحده كافياً، بل تُؤخذ في الاعتبار الظروف والسياق والمتكلم والمخاطب وهدف الخطاب أيضاً. يتجاوز تحليل الخطاب مستوى الدراسة اللغوية البحتة، إذ يبحث في تأثير كل فعلٍ كلامي في سياقه النصّي والموقف على علاقات القوة والهوية والمعنى. وانطلاقاً من ذلك، يحاول الباحثان في هذه الورقة البحثية اتباع المنهج الوصفي التحليلي لدراسة الأفعال الكلامية في الخطاب السياسي للسيد حسن نصر الله بمناسبة الذكرى العاشرة للانتصار في حرب تمّوز. وتشير نتائج البحث إلى أنّ الأفعال الإخبارية (الإظهارية) والأفعال الالتزامية جاءت على التوالي في أعلى وأدنى نسبة من التكرار في هذا الخطاب. وقد استخدم نصر الله الأفعال الكلامية الترغيبية من دعوة وتشجيع وأحياناً تحذير لحث الجماهير على الصمود والوحدة والمقاومة، وهي أفعال تهدف إلى استنهاض العزم الجماعي واستمرار خطاب المقاومة. كما أنّه من خلال أفعاله العاطفية يعزّز الرابطةوجدانية بين القائد والأمة ويجعل الخطاب أكثر إنسانية. وبمزجه الذكي بين الأفعال الترغيبية والالتزامية والإخبارية والعاطفية والإعلانية، يبني نصر الله خطاباً عقلائياً وعاطفياً وأيديولوجياً في آنٍ واحد، يخدم تثبيت هوية المقاومة وترسيخها.

الكلمات المفتاحية: السيد حسن نصر الله، الفعل الكلامي، الخطاب السياسي، القوة، حرب

تمّوز.

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز آمده‌است، یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده‌ی علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خُرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان-شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده‌است. این گرایش به دلیل بین رشته‌ای بودن، خیلی زود به عنوان یکی از «روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷). موضوع تحلیل گفتمانی عبارت است از «پرداختن به دسته‌ای از عملکردهای کلامی در سطح سخن‌ها و پرداختن به شکل تثبیت تعریف کننده آن‌ها» (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۷) که با هدف بررسی زبان در چارچوب سیاسی مورد نظر تحلیل‌گران انتقادی گفتمان نیز قرار گرفته‌است.

با کوشش‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا زبان با محیط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیوند خورد و اولین سنگ‌بنای «زبان‌شناسی اجتماعی» و «جامعه‌شناسی زبان» نهاده شد و «آنگاه که این کوشش نظری با تأملات نظری پیشینیان و نیز نظریه «جان سرل» در باب نظریه «کنش زبانی» و نیز آرای «آستین» و «گرایس» در هم ادغام شد، «کاربردشناسی» به وجود آمد» (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۸۷).

به کارگیری معنا و مفهوم زبان در بافتی مشخص شیوه‌ای است که نظریه کنش گفتار از زبان ارائه می‌دهد و از آنجا که هدف این نظریه رسیدن به لایه‌های پنهان متن است، زیر مجموعه تحلیل گفتمان و کاربردشناسی زبان قرار می‌گیرد. به دیگر بیان تعامل میان معنا و زبان، مقصودی است که در مطالعات زبانی مد نظر قرار می‌گیرد. در نتیجه در تحلیل متن زمینه‌های درونی و بیرونی تا جایی مورد توجه قرار می‌گیرد که تحلیل متن

خارج از بافت موقعیتی، مبهم و غیر قابل تفسیر است. در این راستا، تحلیل گفتمان‌های سیاسی در تبیین لایه‌های ناشناخته متن شفاهی و منظومه فکری سخنران که ارتباطی دوسویه و معنادار میان آنها برقرار است، بر ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی می‌افزاید.

۱- ۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به آنچه بیان شد، سخنرانی‌های سید حسن نصرالله از جمله انواع متونی است که به دلیل اهمیت سیاسی و اسلامی شایسته تحلیل در چارچوب نظریه کنش گفتاری است؛ از این رو نگارندگان به سراغ پاره‌گفتارهایی از سخنان دبیر کل حزب الله لبنان که بازتاب دهنده کنش گفتاری است رفته‌اند. از آنجا که مطالعات زبانی در چگونگی عملکرد متن و تبیین ارتباط صورت و معنا بسیار مؤثر است و هم جنبه‌های تازه‌ای از آثار را پیش روی ما می‌گشاید و هم چشم‌اندازهای تازه‌ای را در برابر زبان‌شناسان قرار می‌دهد، اهمیت پرداختن به موضوع را دو چندان می‌کند.

۱- ۲. پرسش‌های پژوهش

در راستای اهمیت مسئله در بدنه صلی متن، پرسش‌های زیر دنبال شود:

۱. در سخنرانی سید حسن نصرالله از چه کنش‌هایی استفاده شده است و علت بسامد بالای بعضی کنش‌ها چیست؟
۲. تحلیل افعال کنشی چه نقشی در فهم سخنان سید حسن نصرالله دارند؟
۳. ارتباط بین قدرت سیاسی سید نصرالله و کنش‌های گفتاری چگونه برقرار می‌شود؟

۱- ۳. روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو با رویکرد تحلیل گفتمان و روش توصیفی تحلیلی کنش‌های گفتاری سخنرانی سیاسی سید حسن نصرالله را پیرامون دهمین سالگرد پیروزی در جنگ تموز بررسی می‌کند. با توجه به رویکرد مقاله، این مهم با ترکیب نگرش‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه انجام می‌شود. شایان ذکر است که نمونه‌ها عینی و ذیل محورهای نظریه گفته‌شده تحلیل می‌شوند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها درباره گفتمان سید حسن نصرالله و همچنین درباره جنگ ۳۳ روزه لبنان بیشتر از لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار گرفته‌است. مانند:

بهزاد قاسمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سید حسن نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت» دستاوردهای مقامات اسلامی لبنان و نتایج امنیتی آن بر محور مقاومت را مورد بررسی قرار داده‌است و به این نتیجه رسیده‌است که برتری عوامل معنوی، ساختار توانمند، برتری اطلاعاتی و امنیت و... از مهم‌ترین دستاوردهای امنیتی هستند.

رحمت ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «علل و عوامل پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه»، به بررسی علل و عوامل پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه بر اساس مدل مدیریت بحران مایکل برچر و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های چهارگانه این مدل می‌پردازد. نتیجه این تحقیق حاکی از آن است که شیوه جنگ نامتقارن مهم‌ترین علل و عوامل پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه بوده‌است.

حسین مهتدی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «دراسة الأبعاد التداولية في الخطاب السياسي للسيد حسن نصرالله وفقاً لآراء جون سيرل» با انتخاب ۹ سخنرانی از سخنرانی‌های سال ۲۰۰۸ میلادی سید حسن که بر محور پیروزی بر رژیم صهیونیستی می‌چرخید بر این باورند که سبک ارتباط‌گیری نصرالله از جنبه‌ای فردی، اجتماعی، مکان و زمان تأثیر زیادی بر مخاطب دارد.

مهدی حسن شمس و مها خیر بک (۱۴۰۲) در مقاله «تجلیات الحجاج الاستدلالي المباشر في خطابات السيد حسن نصرالله (عام ۲۰۰۰م حتى ۲۰۰۳م أنموذجاً)» با استخراج انواع استدلال مستقیم؛ استقراء، قیاس و تمثیل در سخنرانی‌های سید حسن نصرالله به این نتیجه رسیده‌اند که ایشان روش‌مندانه به تحلیل رویدادهای لبنان و منطقه و مقایسه آنها با دیگر رویدادها پرداخته‌است.

چنانکه در قبل هم ذکر شد، پژوهش‌ها درباره گفتمان سید حسن نصرالله، عموماً بر جنبه‌های محتوایی آن تمرکز کرده و پژوهشی درباره **بازنمایی قدرت** براساس نظریه کنش‌های گفتاری در کلام ایشان انجام نگرفته‌است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. سیاست

در معجم اللغة العربية المعاصرة (عمر، ۲۰۰۳: ذیل واژه سوس) آمده‌است که سیاست مصدر مشتق شده از فعل ثلاثی سَاسَ است و اصل آن سُوَسَ است و آن به معنای اصول یا (اساس یا مقدمات) مورد اعتماد که بر اساس آن تصمیمات اتخاذ می‌شود و آن شیوه و سلوک دولت‌ها و توافق در مقابل قضایا مربوط به دولت‌های دیگر است. یعنی سیاست مخصوص دولت‌ها و حکومت‌ها است. در تعریفی دیگر سیاست به معنای ارتباط بین حاکم و محکوم و آن یک فعالیت اجتماعی است که در بردارنده امنیت است و توافق و توازن بین افراد و جماعت‌ها را شامل می‌شود (مشتل و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۰).

«در عمق آنچه سیاست نامیده می‌شود، تلاش برای همراه کردن نگاه مردم در قضاوت و داوری‌ها در مفاهیم خوب و بد، حق و باطل و خیر و شر است» (شلتن، ۲۰۰۴: ۱۹۹).

بنابراین زبان سیاسی، نماد تولید هنجار، مقاومت و قدرت در فرهنگ سیاسی و سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود.

۲-۲. قدرت

قدرت از ریشه «قدر» و در لغت به معنای «الاقْتِدَارُ عَلَى الشَّيْءِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۷۶) به معنای توانایی افراد برای دستیابی به هدف‌ها یا پیشبرد منافع خود از راه واداشتن دیگر افراد جامعه به انجام دادن کاری خلاف خواسته آنان است. وجود قدرت همراه با اندیشه که از درون گوینده نشأت گرفته باشد بر گزینش واژگان و جملاتی که بر زبان رانده می‌شوند، تأثیر بالایی دارد. اینگونه جملات پرهیجان راه‌حل‌های عاقلانه‌ای برای حل مسائل جامعه پیشنهاد می‌شود.

۲-۳. کنش‌های گفتاری

نظریه گفتار کنش با همت دو فیلسوف بزرگ یعنی آستین و سرل سامان گرفت. اصل نظر این است که منظور اصلی زبان آدمی انجام کار است. یعنی زبان برای انجام نقش‌هایی تعبیه شده است (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). به بیانی دیگر اعمالی را که پاره‌گفتها انجام می‌دهند، عموماً کنش‌های گفتاری می‌نامند (یول، ۱۳۸۵: ۶۶). البته در زبان انگلیسی عناوین خاص‌تری مانند عذرخواهی، شکایت، تمجید، دعوت، وعده (قول دادن) یا درخواست نیز به آنها اطلاق می‌شود (همان: ۶۷). این واژه‌های توصیفی که برای بیان انواع مختلف کنش‌های گفتاری به کار می‌رود، با نیت ارتباطی گوینده در تولید پاره‌گفت مرتبط است. اصولاً، گوینده انتظار دارد نیت ارتباطی وی را شنونده بفهمد. در این فرایند، معمولاً شرایط حاکم بر پاره‌گفت به گوینده و شنونده هر دو یاری می‌رساند. این شرایط را به همراه دیگر پاره‌گفتها رخداد گفتاری می‌نامند (همان: ۶۷).

نظریه کنش گفتار، جزئی از کاربردشناسی است که «تمرکز بر توصیف ویژگی‌های زبان کاربردی است» (نورگرا، ۱۳۹۳: ۱۸۰). نظریات آستین در کنش گفتاری در مخالفت با نظری مطرح شد که سه اصل را به عنوان نگرش اصلی به معنا پذیرفته بود. این سه اصل عبارت است از: ۱. جمله‌های خبری، گونه‌های اصلی جمله‌های زبانند. ۲. کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جمله‌ها است. ۳. صدق و کذب معنی جمله‌ها را می‌توان تعیین کرد (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۷۳). آستین میان سه سطح متفاوت از رفتاری که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، تمایز قائل شد: کنش بیانی، منظوری و تأثیری (سرل، ۱۹۶۹: ۳۳). زبان‌شناسان پس از وی کوشیدند طبقه‌بندی کامل و جامع‌تری ارائه دهند. در میان ایشان می‌توان از ج. سرل و د. واندرویکین، ج. لیچ، ر. امان، ب. فریزر، ز. وندلر، چ. ماک کلی، د. ووندلریخ و دیگران نام برد. حاصل کار ج. سرل که در سال ۱۹۷۶ در کتاب طبقه‌بندی کنش‌های منظوری به چاپ رسید، بسیار قانع‌کننده‌تر به نظر می‌رسد (شفقی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). جان سرل نظریه آستین را گسترش داد و آن را به پنج دسته تقسیم کرد:

اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی (سرل، ۱۹۶۹: ۳۳). این پنج کنش، که به نام «پنج گانه سرل» شناخته می‌شود، مؤثرترین طبقه‌بندی در مبحث کنش‌های گفتاری شناخته شده‌است؛ زیرا در آنها، طبقات انحصاری نیست و یک پاره‌گفت می‌تواند انواع مختلفی از کنش‌ها را در برگیرد (ورشورن، ۲۰۰۳: ۲۴).

۲-۳-۱. کنش‌های گفتاری مستقیم و غیر مستقیم

توجه به بافت در تشخیص کاربرد کنش‌های گفتاری نیز مؤثر است و دو نوع کنش مستقیم و غیر مستقیم پدید می‌آورد. هرگاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم و هرگاه این ارتباط بین ساختار و کارکرد غیر مستقیم باشد، آن را کنش گفتاری غیر مستقیم می‌نامند (چپمن: ۱۳۸۴: ۲۷). نظریه کنش گفتاری سرل، نسبت به دیگر نظریه‌ها به بافت و عناصر آن اهتمام بیشتری می‌ورزد. برای دریافت معنای دقیق یک جمله و متن به غیر از معناهای ظاهری کلمات درج شده در فرهنگ لغت، عواملی همچون سن، جنس، موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان، اشتراکات فرهنگی طرف‌های گفتگو نقش زیادی دارد که به این عوامل بافت موقعیتی گفته می‌شود (کوک، ۱۳۸۸: ۵۷).

۲-۳-۲. بافت موقعیتی سخنرانی

بافت یا زمینه تمام شرایط زمانی، مکانی، زبانی و غیر زبانی است که متن در بستر آن شکل می‌گیرد. در تحلیل کنش‌های گفتاری بررسی بافت موقعیتی به این دلیل است که پژوهشگر به فضای واقعی که سخنرانی در آن شکل گرفته‌است نزدیکتر شود و با درک بهتر از شرایط زمانی و مکانی مؤثر در ساخت گفتمان دیدگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر به گفتمان مورد مطالعه داشته باشد. از این رو عوامل تشکیل دهنده بافت گفتمان را به صورت مختصر بیان می‌کنیم:

سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان به مناسبت دهمین سالگرد پیروزی حزب الله در تهاجم وسیع و همه‌جانبه اسرائیل به لبنان در ژوئیه ۲۰۰۶ / تیرماه ۱۳۸۵ که ۳۳ روز

به طول انجامید، این سخنرانی را ایراد کردند. این مراسم در بنت جبیل^۱ در جنوب لبنان برگزار شد. حسن نصرالله در این سخنرانی منطوق که به صورت زنده (ویدئو کنفرانس) از شبکه المنار لبنان پخش شد، به اهداف رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه، نتایج حاصل از این جنگ و چرایی تشکیل داعش به سخنرانی پرداخته است و سپس به مسائل داخلی لبنان مانند انتخابات پارلمانی پرداخت.

مخاطبان این سخنرانی ترکیبی مختلط از شنوندگانی است که از نظر سیاسی و اجتماعی متنوع هستند و شامل موافقان حزب الله (احزاب و قوا و جریان‌ها و تشکله‌ها و رسانه‌ها و همه مردم لبنان و دیگر کشورهای جهان عربی و اسلامی در سراسر جهان و مخصوصا کشورهای ایران و سوریه) و مخالفان مقاومت اسلامی لبنان و سید حسن نصرالله که شامل دو دسته «مخالفان داخلی و خارجی» تقسیم کرد که دسته اول از «گروه-ها، احزاب و افراد مخالف شخص دبیرکل یا مخالف مشی حزب الله و مقاومت در داخل لبنان» تشکیل شده‌اند و گروه دوم شامل «کشورها و افراد دشمن منافع ملی لبنان، به‌ویژه اسرائیل، آمریکا، برخی کشورهای اروپایی (مانند انگلستان، فرانسه و ...) و برخی کشورهای عربی (مانند عربستان و امارات و ...) و نیز سیاستمداران و سردمداران مخالف نصرالله و مقاومت اسلامی در منطقه جنوب غرب آسیا (مانند نخست وزیران (ایهود باراک، نتانیاو و ...) و وزرای کابینه اسرائیل (شارون، شامیر و ...) هستند (بابائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۱).

دسترسی مخاطب به دیدگاه‌های یک شخصیت مهم و مشهور و تأثیر سیاسی مثبت بر گروهی از مردم و دولت‌ها در میان مخاطبان را می‌توان از اهداف استراتژیک این سخنرانی دانست.

^۱ . روستای مرزی بنت جبیل واقع در مرز لبنان و فلسطین اشغالی در طول جنگ ۳۳ روزه به یکی نمادهای مقاومت و کانون‌های شکست رژیم صهیونیستی تبدیل شد و تلاش اسرائیل برای اشغال این منطقه خسارت‌های زیادی را بر دوش این رژیم گذاشت (www.tasnimnews.Com).

۳. تحلیل کنش‌ها در متن سخنرانی

۳-۱. کنش‌های اظهاری

کنش اظهاری با توصیف و تصدیق واقعیت‌ها، صواب و موثق بودن امور را به باور متکلم بازتاب می‌دهد (پول، ۱۳۸۵: ۷۴).

فرهنگ و اندیشه سید نصرالله با مذهب شیعی او پیوند بنیانی دارد. به همین دلیل است که هر یک از دو مؤلفه یاد شده می‌تواند زمینه‌های لازم برای تولید زبان سیاسی سخنرانی را به وجود آورد. در سخنرانی وی کنش‌های اظهاری این باورها را نشان می‌دهد. پاره گفتار زیر مؤید آن است که مذهب و مؤلفه‌های مذهبی در سخنرانی حسن نصرالله نقش تعیین کننده‌ای داشته‌است:

«یا إما تقبلون بهذه الشروط، هذه الشروط المذلة التي كانت تعني يومها إنتهاء المقاومة، عودة الاحتلال، بقاء الأسرى في السجون... تسليم لبنان لأمريكا... أنا واخواني كنا ننتاقش، كأنه وقف بين أيدينا أمام ناظرينا أبو عبدالله الحسين (سلام الله عليه) ... يوم العاشر وهو يقول: «ألا إن الدعي ابن الدعي قد ركز بين اثنتين، بين السلة والذلة وهيهات منا الذلة» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb).

در این پاره گفتار وی اعتقاد دارد که قبول شرط‌های اسرائیل (تسلیم کردن لبنان به آمریکا و متحدانش) نه تنها به معنای پایان یافتن مقاومت و بازگشت اشغال و باقی ماندن زندانی‌ها در زندان و تسلیم لبنان به آمریکا است؛ بلکه ذلت و خواری را در پی دارد و بازتاب دهنده کنش اظهاری در سخنان سید است، همچنین با نقلی از سخنان امام حسین (ع) «... هي الكلمة المعروفة للإمام الحسين (ع) يوم العاشر من محرم... ألا إن الدعي ابن الدعي قد ركز بين اثنتين، بين السلة والذلة وهيهات منا الذلة...» (موقع المنار، ۲۰۱۶:

www.almanar.com.lb) طرد شروط و تسلیم شدن را یک تکلیف سیاسی و دینی می‌داند، از این رو مؤلفه‌های دینی را باید اصلی‌ترین شاخص‌های زبان سیاسی سخنرانی سید نصرالله دانست. به دیگر سخن «نشان دادن اهداف مقدس از ویژگی‌های سخنرانی‌های سیاسی است که باعث می‌شود خطبه شکل رسمی و عام‌تری به خود بگیرد (عکاشه،

۲۰۰۵: ۳۶۱). این امر یکی از اصلی‌ترین عوامل تولید کننده قدرت مقاومت حزب الله لبنان است.

همچنین استناد واژه «هیئات» که «علاوه بر مبالغه و تأکید دلالت بر امری بسیار دور از انتظار دارد» (السامرائی، ۲۰۰۰، ج ۴: ۴۴) به معنای هشدار به مخالفان خویش است که درخواست‌های آنان را هرگز نخواهد پذیرفت و کنش گفتار ترغیبی را نیز به دنبال دارد. در ادامه خطیب عقیده دارد نتایج حاصل از جنگ ۳۳ روزه زائیده‌ای هیچ و پوچ نبودند بلکه با مقاومت و ایستادگی و فداکاری و پافشاری و خون شهیدان و زخمی شدن و مدیریت و برنامه‌ریزی و اتحاد و هم‌افزایی و هم‌یاری به دست آمده‌اند: «هذه النتائج لم تأت من فراغ، وإنما صنعت من خلال المقاومة، من خلال التضحيات و الثبات و دماء الشهداء والجراح والإرادة والتخطيط والوحدة و التكامل والشركة في هذه المعركة التي كانت قائمة» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). اینگونه شرح و بسط کنش اظهاری است که قدرت و مدیریت حزب الله را در به وجود آمدن پیروزی به تصویر می‌کشد.

در عبارت زیر گوینده به توصیف متزلزل شدن ساختار نظامی اسرائیل از درون که یکی از نتایج جنگ ۳۳ روزه است، می‌پردازد: «إهتز الجيش الإسرائيلي بعنف وبقوة، صار في حالة تشتت، حالة ضعف معنوي هائل، شبه حالة إنهيار، اتهامات متبادلة بين رؤس الأركان و هيئة الأركان وقادة الوحدات... اتهامات وصلت إلى حد الشك، إلى حد التخوين. هذا موجود، كله تقرأونه من عشر سنوات وإلى الآن» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). این توصیف دارای کنش اظهاری است. همچنین ضعف دشمن را با تکرار معنوی عبارت‌هایی که نشان دهنده سست عنصر بودن ساختار دشمن است مانند «حالة تشتت، حالة ضعف معنوي هائل، شبه حالة إنهيار، حد الشك، حد التخوين...» با کنش عاطفی که دربردارنده هجو مخالفان است؛ به خوبی بیان می‌نماید و بیانات خویش را با پاره‌گفتار «هذا موجود، كله تقرأونه من عشر سنوات وإلى الآن» تأیید می‌کند که دارای کنش اظهاری تأییدی است.

متزلزل شدن اعتماد مردم اسرائیل به ارتش که می‌گفتند: «اهتزاز ثقة الجمهور الإسرائيلي بالجيش، وأن هذا الجيش قادر على صنع الانتصار، أن هذا الجيش قادر على حسم المعركة وهذا

أخطر أمر في الكيان الإسرائيلي الحالي» دربردارنده آن است که ارتش حزب الله قادر به پیروزی و به پایان بردن نبرد است، خطرناک‌ترین رویداد برای رژیم اسرائیل است و همچنین سخن ازینکوت که می‌گوید: «التهديد الأكبر هو تراجع ثقة الجمهور بالجيش» هذا حصل» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb) «بزرگ‌ترین تهدید، پسرفت اعتماد مردم به ارتش است» کنش اظهاری در عبارت‌های فوق برای بیان قدرت حزب الله است. به عبارت دیگر ارتش حزب الله نه تنها قادر به پیروزی است بلکه خطرناک‌ترین رویداد برای رژیم اسرائیل نیز هست.

نتایج حاصل از جنگ ۳۳ روزه را با عبارتهایی که به تکرار مفاهیم اقتدار حزب الله و ضعف صهیونیست اشاره دارد، ادامه می‌دهد که دارای کنش اظهاری است: «اهتزاز المؤسسة العسكرية الإسرائيلية من الداخل»، «اهتزاز ثقة القيادة السياسية بالجيش و بجنرالاته» و «اهتزاز ثقة الجيش بالقيادة السياسية» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). استفاده از مصدر «اهتزاز» و تکرار آن در پاره‌گفتارهای فوق نشان‌دهنده این است که متزلزل شدن اعتماد به صهیونیست محدود به زمان خاصی نخواهد بود و تأثیر آن در همه دوران‌ها ادامه خواهد داشت. عکاشه معتقد است «سخنرانی‌های سیاسی در گرو شرایطی هستند که به خاطر آن ایراد می‌شوند و با از بین رفتن آن شرایط اثر خود را از دست می‌دهند» (عکاشه، ۲۰۰۵: ۳۴۷-۳۴۹) اما استفاده از واژه‌هایی همچون «اهتزاز» در کلام نصرالله بازتاب‌دهنده آن است که با تغییر شرایط نیز اعتماد به صهیونیست امکان‌پذیر نخواهد بود.

در عبارت مورد بررسی بعدی نکته قابل تأمل نوع کلام با یاران خودی است که در قالب کنش عاطفی روحیه دادن و تاکید «ما می‌توانیم» در عبارت کنایه «أن الأمور في أيدينا» مطرح شده‌است. متکلم با استفاده از مفاهیم بلاغی و تاکید آن سعی در اعمال قدرت و به چالش کشیدن دشمن را نیز دارد: «أن الأمور في أيدينا. اللبنانيون قادرون على أن يحسموا مسائلهم و قضائهم» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). در این کنش اظهاری قدرت و سلطه سید نصرالله و حفظ وجهه خود به وضوح مشخص است. سخنران با استفاده از پاره گفتار «قادرون على أن يحسموا مسائلهم وقضائهم» به سمت همبستگی و همراه کردن

مردم لبنان با خود حرکت کرده است که تاکید پاره گفتار قبلی است و دارای کنش اظهاری تاییدی است و منطقاً نشان می‌دهد که حزب الله از صهیونیست قدرتمندتر است و از آنجا که با این عبارات تلاش در روحیه دادن به مخاطبین خویش است، دارای کنش گفتاری عاطفی نیز می‌باشد و در هم تنیدگی کنش‌های گفتاری اظهاری و عاطفی را نمایان می‌سازد.

۳-۲. کنش ترغیبی

کنش‌های ترغیبی بیان‌گر تقاضا و درخواست متکلم است و با کاربرد این کنش، واقعیت از جانب مخاطب با کلام متکلم متناسب می‌گردد (یول، ۱۳۸۵: ۷۵).

این کنش در سخنرانی حسن نصرالله برای اهداف متفاوتی به کار رفته است. در عبارات

«مستقبل لبنان هو المقاومة، مستقبل فلسطين هو المقاومة، مستقبل سوريا هو المقاومة، ومستقبل

المنطقة هو مستقبل شعوبنا وأمتنا وكرامتها وعزتها وسيادتها» (موقع المنار،

۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). سخنران معتقد است آینده سوریه، لبنان، فلسطین و کل

منطقه و مردمش در گرو مقاومت است. بنابراین به صورت کنش ترغیبی غیر مستقیم

مخاطب را دعوت به مقاومت می‌کند و در این پاره گفتار خواسته خود را با تکرار واژه‌های

«مستقبل، هو، المقاومة» تأکید می‌کند. متکلم با استفاده از ترفند تکرار باعث جلب توجه

و همراهی مخاطب با سخنران می‌شود. چرا که پدیده تکرار، احساسات خاموش مخاطب

را شعله‌ور و در جان مخاطب تأثیر می‌گذارد.

عبارت‌های پرسشی از جمله کنش‌های ترغیبی هستند که برای اهداف متفاوت و به

صورت کنش غیر مستقیم در متن به کار گرفته می‌شوند. گوینده دعوت به ماندن در میدان

مبارزه را با کاربری استفهام بیان می‌کند: «یدعوننا إلى الانسحاب من هذه المعركة، من أجل

أي شيء؟ من أجل أن تغلب داعش، من أجل أن تغلب النصر» (موقع المنار،

۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). دعوت به ماندن نصرالله و ترغیب مخاطب به همراه

شدن با خود دلالت بر اقتدار نصرالله دارد.

یکی از بزرگترین ثمرات استفاده از استفهام دعوت مخاطب به بیشتر فکر کردن است که نوعی از کنش ترغیبی است. مانند سوالی که درباره ماندن و رفتن اسرائیل بعد از جنگ تموز مطرح شده است و اذهان را به خود مشغول کرده است: «هذه إسرائيل هل توجد إمكانية لأن تبقى أم ذاهبة باتجاه السقوط و الزوال؟ متى هذا؟» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). با استفاده از پرسش مخاطبان به صورت غیر مستقیم به سمت بیشتر گوش دادن و جستجو در میان صحبت‌های سخنران ترغیب می‌شوند. سوال درباره ماندن و رفتن اسرائیل از نتایج جنگ ۳۳ روزه است که اقتدار حزب الله و ضعف صهیونیست را بار دیگر نمایان می‌سازد.

سید نصرالله درباره معادله «آرامش [نظامی] مقابل آرامش» که از سوی نتانیاهو مطرح شده است می‌گوید: «من أين أتت هذه المعادلة؟» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). با استفاده از پرسش در واقع سخنران مخاطبان خود را به غفلت زدایی و بیشتر فکر کردن درباره اهداف دشمن دعوت کرده است که یک کنش ترغیبی غیر مستقیم است و اعتقاد دارد طرح این معادله یعنی اعتراف اسرائیل به قدرت بازدارنگی مقاومت در لبنان، که اقتدار حزب الله بار دیگر اذعان می‌شود.

فرستنده پیام، بعضی از پرسش‌ها را به کار می‌برد تا توجه مخاطب را بر روی یک نقطه مشخص از سخن متمرکز سازد (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۵۳): «أمريكا التي تلاحق البندقية والصاروخ وقطعة ضد الدروع والدفاع الجوي إلى أين ذهبت؟ وإلى أين أتت؟» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb).

در پاره گفتار فوق کاربرد کلمه استفهامی «أین» به منظور ترغیب به غفلت‌زدایی و نکوهش همراه با تعجب است و شاید بتوان با عباراتی همچون غفلت تا کجا؟ واغفلتا! غفلت تا چه حد! همسان نمود.

در استفهامی دیگر سخنران با سخنی تأثیرگذار در مقام توبیخ برمی‌آید: «لماذا فعلتم

ذلك يا أمريكيان؟» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). توبیخ از کنش‌های

ترغیبی است و گوینده با این تکنیک آمریکایی‌ها را (درباره تشکیل داعش) مورد هدف قرار داده است تا در مواجهه با آمریکا بر میزان سلطه و قدرت خود بیفزاید.

در عبارت بعدی با کاربرست فعل امر سعی می‌کند داعش را از زندگی غیرعقلانی برحذر دارد، و با تکرار عبارت بر قوت اجرایی کنش ترغیبی افزوده است. تحذیر از کنش‌های گفتاری ترغیبی است که به هدف تاثیر در مخاطب و وادار کردن او بر ترک امری دلالت دارد. بنابراین، این پاره‌گفتار در دسته کنش‌های غیر مستقیم قرار می‌گیرد. «یا جماعة إجلسوا فقط فكروا قليلاً، فقط فكروا قليلاً» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb)

ترغیب مخاطب در عبارت زیر برای عزم و جدیت در کار است و معنای به خود متکی بودن و کوشش را در پی دارد. این عبارت سرشار از کلمات انگیزشی و ترغیبی «لماذا لا نقدر» و «نحل مشاكل البلد» است که به صورت غیر مستقیم برای ایجاد انگیزه در مخاطب و نشان دادن اقتدار و توانمندی حزب الله به کار رفته است: «لماذا لا نقدر بأن نسئل لها الأموال في الخزينة لنحل فيها مشاكل البلد؟» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb)

همچنین تشویق کردن به ادامه دادن راه امام موسی صدر کنش ترغیبی غیر مستقیم است که با تکرار واژه‌های «هذا الامام» موسیقی و انسجام را به عبارت‌ها بخشیده است که در جلب توجه مخاطب بسیار تأثیرگذار است. «اليوم أيضاً نحن على مقربة من هذه الذكرى نؤكد أننا جميعاً أبناء هذا الإمام وتلامذة هذا الإمام وأحباء هذا الإمام نواصل طريق ودرب هذا الإمام» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb)

پرسش در سخنرانی در واقع مخاطب را به شرکت فعال در یک گفتگو دعوت می‌کند. به عنوان مثال استفهام انکاری به مخاطب می‌فهماند که ادعای مطرح شده غیرممکن است و در حد توان مخاطب نیست (الزرکشی، ۱۹۸۴: ۲ و ۳۳۰). به عنوان نمونه کنش ترغیبی غیر مستقیم در عبارت زیر در معنای انکار آمده است:

«انظروا عندنا، العالم تبقى ساهرة حتى طلوع الفجر، هذا ماذا؟ هذا ليس إنجازاً؟» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). در عبارت‌های «هذا ماذا؟، هذا ليس إنجازاً؟» سید نصرالله با طرح این سوالات می‌خواهد ذهن مخاطب را متوجه خود سازد و تأثیرات این پیروزی مقتدرانه (زندگی راحت در نوار جنوبی لبنان) را به او بفهماند و در واقع با استفهام اندیشه‌ها را تحریک می‌کند تا تأثیر سخن خود را قطعیت بخشد.

نمونه‌های مورد بررسی در بخش کنش ترغیبی این نکته را نمایان می‌کند که کنش‌های گفتاری غیر مستقیم، در این بخش بیشتر به کار گرفته شده است. دلیل اصلی برای استفاده از کنش‌های گفتاری غیر مستقیم این است که درخواست کردن اگر به صورت یک عمل گفتاری غیر مستقیم نمایش داده می‌شود، رسمی‌تر و تأثیرگذارتر است.

۳-۳. کنش‌های تعهدی

کنش تعهدی در بردارنده پایبندی گوینده به انجام امور در آتی و تضمین کننده تعهدات است. (یول، ۱۳۸۵: ۷۵).

نوع کلمات و واژگانی که دبیر کل حزب الله استفاده می‌کند؛ حکایت از میزان سلطه و اقتدار وی دارد و برای تحقق مقصود خویش از موضع قدرت و بدون هیچ انعطافی سخن بر زبان می‌آورد: در عبارت زیر با کاربست عباراتی چون «بات واضحاً الآن أن إسرائيل لم تعد دولة لا يمكن التغلب عليها ... مستقبل إسرائيل لم يعد طويلاً»، «أن إسرائيل لن تستطيع البقاء في هذه المنطقة» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb) با کنش تعهدی برای تحقق هدف خویش که همان اثبات نابود شدن اسرائیل است به تهدید صریح پرداخته است.

سید نصرالله به مخاطبان خود وعده می‌دهد که می‌توان بر اسرائیل غلبه پیدا کرد و ماندن اسرائیل در سرزمین اشغالی طولانی نخواهد بود. کلمه «لن» که به معنای نفی مستقبل است برای دلالت بر کنش تعهدی، وعده عدم ماندن دائمی اسرائیل را در منطقه بازتاب می‌دهد.

وعده ایجاد تأسیسات در سرزمین لبنان از دیگر وعده‌هایی است که در سخنرانی سید نصرالله دارای کنش تعهدی می‌باشد: «هنا ستعمل منشأة بالأراضي اللبنانية» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). در این پاره‌گفتار استفاده از حرف «س» بر سر فعل مضارع «تعمل» بر تحقق وعده نصرالله در آینده نزدیک دلالت دارد. چنین کاربردی حس باور و اعتقاد عمیق گوینده نسبت به موفقیت و هدف و قطعی بودن تحقق یافتن برنامه سیاستمداری مقتدر است.

مصمم بودن و ادامه دادن راه با روحی‌ای قوی و عزمی قاطع به صورت کنش غیر مستقیم برای بیان متعهد شدن نسبت به ادامه دادن مسیر در لبنان و و سوریه و کل منطقه است: «نحن صممنا وحسمنا خيارنا وسنواصل طريقنا هكذا بنفس هذه الروح الصلبة القوية المؤمنة المصممة العازمة، نحن نواصل دربنا في لبنان، في سوريا، في كل المنطقة» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). سخنران از طریق راهبرد همبستگی و کنشی عاطفی که با کاربست ضمیر منفصل «نحن» و تکرار ضمیر متصل «نا» آن را ایجاد کرده است، خود و یاران خود را متعهد به ادامه دادن راه با روحیه‌ای قوی می‌داند.

تعهد هدفی است که میزان قدرت نصرالله و پابندی وی به سخنانش را برای ما مشخص می‌کند. وی از این کنش استفاده می‌کند تا عمق نفوذ و ریشه‌دار بودن اهداف خویش را نشان دهد. و از آنجا که وعده سیاسی برای دستیابی به بیشترین حد موفقیت انجام می‌شود دبیر کل حزب الله برای تهدید دشمن و وعده دادن به توده مردم از کنش تعهدی در سخنان خود بهره می‌گیرد.

۳-۴. کنش‌های عاطفی

کنش عاطفی بازتاب دهنده مشاعر و خبرگی‌های متکلم از دنیای واقعی است که با کلمات متناسب نشان داده می‌دهد. (یول، ۱۳۸۵: ۷۴ و ۷۵).

زبان سیاسی سید نصرالله نیز با عواطف پیوند می‌خورد از این رو حالات و عواطف نفسانی را می‌توان گاهی در خط مقدم گفتمان سیاسی قرار دارد.

ابتدای سخنرای با سلام و درود و تشکر شروع می‌شود: «السلام علیکم جمیعا ورحمة الله وبرکاته» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). سلام و درود یک کنش عاطفی است که احساس و پیام دوستی، صمیمیت، محبت، تواضع، دعای خیر اطمینان دادن به طرف مقابل را می‌رساند. اسلام که دین رأفت رحمت، وحدت، محبت و انسان دوستی است این سنت را تأیید کرده و بهترین سخن را در بیان تحیت تعیین کرده است.

در سیره پیامبر (ص) آمده است هنگامی که از چیزی خوشحال می‌شد، می‌فرمود «الحمد لله علی هذه النعمة» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۳۲۸). سید نصرالله نیز با پیروی از سیره نبوی، خرسندی خود را از پیروزی در جنگ تموز با عبارت‌های «الشکر لله الذی دافع عنا ودفع عنا وآوانا وأیدنا بنصره...» و «...له الشکر علی نعمة التی لا تعد ولا تحصى» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). ابراز می‌کند. در ادامه احساس خرسندی از یاران خود را که در دستیابی به این موفقیت نقش غیر قابل انکار داشتند با عبارت «الشکر و التحية إلى کل الذین صنعوا هذا الانتصار» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb) که دارای کنش عاطفی است نشان می‌دهد.

متکلم الفاظی که دارای تأثیر در اندیشه عمومی است را برمی‌گزیند چرا که انسان عادی تأثیر بیشتری را با عبارت‌های عاطفی و اسلوب‌های حماسی می‌گیرد (عکاشه، ۲۰۰۵: ۱۰۸). «طبعاً هذا انتصار هائل و عظیم» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). استفاده از واژه‌های «انتصار، هائل و عظیم» در راستای قدرت نمایی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه به کار گرفته شده است که از سویی دیگر ضعف صهیونیست را نشان می‌دهد. در این پاره گفتار کاربست اسم اشاره «هذا» که دلالت بر تعظیم دارد واحد قدرتمندی را در کنش عاطفی ایجاد می‌کند.

سید نصرالله با بیانی هجوگونه که کنش عاطفی است، اعتقاد دارد که دشمن با وجود اینکه دهها سال بر جبهه داخلی خود کار کرده است اما هنوز این جبهه آماده نیست: «علی مَرَّ عشر سنوات العدو يعمل علی الجبهة الداخلية وحتى الآن هو غیر جاهز، المشكلة لم یحلها»

(موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). نصرالله با این پاره‌گفتار و شاخص‌های منفی «غیر جاهز» و «المشكلة لم يحلها» سعی در نشان دادن ضعف دشمن و به نوعی قدرت‌نمایی خویش است.

و در ادامه می‌گوید: «تلاحظون أنه بعد حرب تموز عندما ذهبوا الى حرب غزة لم يجرؤوا أن يعلنوا أهدافاً عالية وحتى أنهم لم يعلنوا أهدافاً ولم يجرؤوا أن يعلنوا حتى أهدافاً متدنية» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). گوینده با کاربرد پاره‌گفتار «لم يجرؤوا أن يعلنوا أهدافاً عالية» به هجو صهیونیست که یک کنش عاطفی است می‌پردازد و حزب الله را که علت اصلی این وضعیت برای دشمن است را در جایگاه قدرت قرار می‌دهد و در عین حفظ وجهه خود طرف مقابل یعنی صهیونیست را ضعیف می‌خواند. این نمایش قدرت بسیار صریح و بدون هیچ طفره‌روی بیان شده است. و در ادامه باردیگر برای تأکید بر ضعف و ناتوانی دشمن عبارت «لم يجرؤوا أن يعلنوا حتى أهدافاً متدنية» را تکرار می‌کند.

پاره‌گفتارهای بعدی نیز سرشار از واژگانی است که سید نصرالله با کاربست آنها در صدد هجو دشمن و نشان دادن ضعف آنها است: «تقديرًا لكم خاطئة. أنتم تبالغون. خططكم ليست دقيقة. أنتم عاجزون. هذا حصل خلال عشر سنوات» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). این پاره‌گفتارها احساس انزجار گوینده را نسبت به دشمن بیان می‌کند؛ بنابراین دارای کنش عاطفی است.

در ادامه متکلم با تناص لفظی با قرآن به سخنرانی سلطه‌ای دینی و ارزش روحی و معنوی می‌بخشد و عظمت و مهابت را در نفس مخاطب ایجاد می‌کند (عکاشه، ۲۰۰۵: ۱۰۶): «وَأَنَا أَقُولُ لِنَتَانِيَاهُ الْيَوْمَ: أَنْتُمْ مَجْتَمِعُ أَهْوَنَ مِنْ بَيْتِ الْعَنْكَبُوتِ» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). سید حسن با این پاره‌گفتار به هجو نتانیاها می‌پردازد که کنش آن عاطفی است و اعتقاد دارد وقتی برخی سران اسرائیلی از عبارت «اسرائیل ضعیف‌تر از تار عنکبوت است» که تناص لفظی با قرآن (سوره عنکبوت: ۴۱) دارد استفاده می‌کنند، نشان می‌دهد که این مسئله تا عمق فهم آنان رسوخ کرده است. که دیگر توان جنگ ندارد

و از دفاع از خود خسته شده است. نبرد در منطقه بنت جبیل آن قدرت فولادی اسرائیلی را که در اعتقاد نهاد نظامی اسرائیل بود، ساقط کرد و از بین برد و معادله «سست تر از تار عنکبوت» را ثابت کرد. این معادله و هجو نتانیاهو که کنش عاطفی است در عبارت منادای زیر به خوبی نشان داده شده است:

«نعم يا حبيبي! رأيتا قبضتكم الحديدية هذه في بنت جبيل في ال ٢٠٠٦» (موقع المنار، ٢٠١٦: www.almanar.com.lb). با نگاه تحقیرآمیز و هجوگونه‌ای که سید نصرالله به نتانیاهو دارد بدون شک، استفاده از منادای «یا حبیبی» نه به عنوان یک ویژگی مثبت بلکه به طنز و از روی استهزا و در معنای ضد آن به دشمن نسبت داده شده است و می‌توان آن را استعاره تهکمه عنوان کرد که برای مناداهای منفور، معنا پیدا می‌کند. استعاره تهکمه از موارد کنش غیر مستقیم است. این منادا خود دلیلی بر روحیه مبارزه جویانه سید حسن و تاکید او بر گفتگوی مستقیم و بی‌پرده با دشمن است.

در ادامه متکلم برای اعتبار و قدرت بخشیدن به سخنانش به ذکر نمونه هایی از فعالیت ها در بنت الجبیل اشاره می‌کند. این فعالیت‌ها بیان‌کننده احساس شادی و خرسندی سید حسن نصرالله از این پیروزی است که دارای کنش عاطفی است: «اليوم أهلنا في الجنوب يعمرن بيوتهم على الحدود، على الشريط الشائك...»، «... الآن المنطقة عندنا تصبح خضار»، «أنظروا ليلاً هل هناك أحد يتحرك عندهم في المستعمرات أم أصبحوا ينامون باكراً» و «انظروا عندنا، العالم تبقى ساهرة حتى طلوع الفجر» (موقع المنار، ٢٠١٦: www.almanar.com.lb).

دبیر کل حزب الله در بخشی از سخنرانی خود درباره گروه‌های تکفیری که فعالیت‌های خود را نشأت گرفته از اندیشه‌های اسلامی می‌دانند و با عملیات انتحاری خود را شهید می‌نامند، سخن به میان می‌آورد. عبارت زیر بیان‌کننده تأسف سید نصرالله از افراد تحت حمایت داعش است؛ لذا کنش آن عاطفی است و از اینکه نوع جمله با کارکرد آن همسو است کنش مستقیم است: «نحن نأسف عليهم و نأسى لهم، هؤلاء الذين يسمون أنفسهم استشهائين هؤلاء انتحاريون» (موقع المنار، ٢٠١٦: www.almanar.com.lb). ناراحتی و تأسف احساسی منفی است که ابراز آن می‌تواند اثرات منفی زیادی بر مخاطب (داعش)

داشته باشد و گاهی بر هم زدن آرامش را به دنبال داشته باشد و تلنگری در اذهان این داعشی‌ها خفته زده باشد.

هیجانات عاطفی متکلم و همچنین روحیه مقابله با نیروهای اشغالگر از ویژگی‌های زبان سیاسی سخنرانی سید حسن نصرالله و هجو دشمن نمونه‌ای از شیوه خاص وی در برخورد با مخالفان است. در نتیجه یکی از عوامل اصلی مقاومت و قدرت سخنران است. وی توانست با این عبارات قدرت حزب الله و ضعف صهیونیست‌ها را اثبات کند.

۳-۵. کنش‌های اعلامی

در این کنش، کلمات دنیای بیرون را تغییر می‌دهند و بیان کنش‌های اعلامی دگرگون شدن امور جهان خارج را در پی دارد. (یول، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۵). در این کنش کلمات جهان خارج را تغییر می‌دهد.

آگاهی سیاسی شاخه‌ای از شاخه‌های علم سیاسی است (سیروان أنور، ۲۰۱۳: ۲۳) و بخش پویا از فعالیت ارتباطی (دو جانبه) و تلاشی است برای نشر اندیشه‌ها و اعتقادات حاکمان و تاثیر آن بر توده مردم. (همان ۲۰۲۰) از این نوع کنش ارتباطی می‌توان به توأصل که همان ارتباط دوسویه با مخاطبان است یاد کرد که این راهبرد زبان‌شناسی در کنش‌های اعلامی نسبت به سایر کنش‌ها بیشتر مشهود است.

سید نصرالله اهداف رژیم صهیونیستی در تجاوز به لبنان در جنگ ۳۳ روزه را در سخنرانی سیاسی خود اعلام می‌کند که به چند مورد از آنها در این پژوهش اشاره می‌شود: «سحق المقاومة کان اکبر هدف بعدوان تموز...» و «شطب حزب الله من المعادلة الداخلية والاقليمية» و «ولادة شرق أوسط جديد» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb) در واقع می‌توان گفت نصرالله فقط این اهداف را اعلام نمی‌کند، بدون شک خنثی کردن هدف‌های اسرائیل در تجاوزش بر لبنان که با تصمیم آمریکا انجام گرفت کاری بزرگ و تاریخی و راهبردی است که از جانب حزب الله انجام شد. که نتیجه آن ایجاد وضعیت جدید است و دارای کنش اعلامی است و اقتدار حزب الله را به تصویر می‌کشد.

و در ادامه سید نصرالله اعلام می‌کند که آمریکایی‌ها داعش را به وجود آوردند و آن را با نام حکومت اسلامی معرفی کردند: «هم صنعوا هذه الجماعة التكفيرية الواسعة التي كان إسمها تنظيم القاعدة ثم أصبح إسمها الدولة الإسلامية في العراق، ثم أصبح إسمها الدولة الإسلامية في العراق و سوريا وإنشق منها جبهة النصرة و لحق بها الآن جماعات و فصائل إلى جانبها تحمل نفس الفكر» و «هم الذين أتوا بهذه الجماعات التكفيرية التي أصبح الآن عنوانها الكبير داعش و جبهة النصرة، أتوا بهم من كل أنحاء العالم، بعد أن فشل الشرق الأوسط الجديد» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). به بیانی دیگر هدف سید حسن دادن اطلاعات در سطحی وسیع که شاید برای مخاطب ناشناخته باشد و تلاش برای انتقال آن به مخاطب به گونه‌ای که تاثیرگذار باشد و باعث اقتناع مخاطب گردد می‌باشد که دارای کنش اعلامی است.

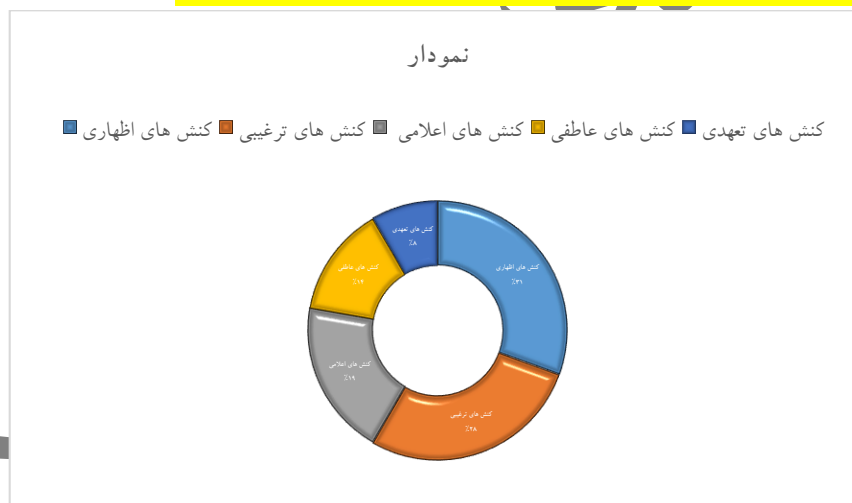
در ادامه گوینده می‌گوید که وزیران و جنرال‌ها و ژاندارم‌های آمریکایی اعلام می‌کنند که ما داعش را به وجود آوردیم و تکرار ضمیر متکلم «نحن» نشانه تاکید بر این امر از جانب آمریکایی‌ها است: «يعترفون أنه نحن، يعني هم الأمريكان، نحن صنعنا داعش، نحن أوجدنا داعش» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb).

سخنران اعلام وضعیت جدید در اسرائیل را با سخنی از جانب خود اسرائیلی‌ها بیان می‌کند: «إسرائيل في عام ۲۰۱۱ في مؤتمر هرتزليا قالت نحن في أسوأ بيئة استراتيجية منذ قيام الكيان» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). اسرائیل با عنوان کردن این عبارت تصریح کرد که از هنگام تاسیس رژیم تاکنون ما در بدترین شرایط خود هستیم. بدترین شرایط برای اسرائیل باعث به دست آوردن اندیشه و نگرشی مثبت برای حزب الله در سطح بین‌المللی است، که نتیجه آن ایجاد وضعیت جدید است و دارای کنش اعلامی است. در این کنش قدرت و سلطه حزب الله به وضوح مشخص است.

کنش اعلامی برای نامگذاری واقعه و رخداد نیز کاربرد دارد: «الآن، نحن تخفيفاً- نقول حرب تموز» (موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb). گوینده اعتقاد دارد زمانیکه ما از پیروزی در «جنگ تموز» سخن می‌گوییم، سخن از یک عنوان کلی و بسیار مهم است که تمام اهداف جنگ را ناکام گذاشت. جنگی که دشمن بعد از شکست نام آن را جنگ

دوم لبنان گذاشت و ما به آن می‌گوییم جنگ تموز (جنگ ژوئیه). سید حسن نصرالله به صورت غیر مستقیم برای نشان دادن اقتدار نامی متفاوت از نامگذاری دشمن برای جنگ ۳۳ روزه برمی‌گزیند.

دبیر کل حزب الله در متن سخنرانی خویش با اعلام اندیشه‌های خود و صهیونیست برای تحقق اهداف مشخص که اثبات ناتوانی و ایجاد نگرشی منفی درباره دشمن و به دست آوردن اندیشه و نگرشی مثبت برای خود در سطح بین‌المللی است و نتیجه آن ایجاد وضعیت جدید است که هدف اصلی کنش گفتاری اعلامی است، می‌باشد. در پایان جنبه‌های مختلف سخنرانی سید حسن نصرالله در قالب نموداری ترسیم می‌شود.



۴. نتیجه‌گیری

با تحقیق در جنبه‌های مختلف زبان‌شناسی سخنرانی در حوزه کنش‌های گفتاری به نتایج زیر می‌توان دست یافت:

در این سخنرانی کنش‌های اظهاری در مقایسه با دیگر انواع کنش‌ها بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده و کنش‌های ترغیبی، اعلامی، عاطفی و تعهدی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در واقع سید نصرالله با کاربرست کنش اظهاری در صدد است تا با توضیح و تبیین، آثار و پیامدهای جنگ تموز که نقطه عطفی در منازعات اعراب

و اسرائیل و نمود قدرت حزب الله است را برای همیشه در تاریخ لبنان و جهان زنده نگه دارد. نمونه‌های مورد بررسی در بخش کنش ترغیبی این نکته را نمایان می‌کند که کنش‌های گفتاری غیر مستقیم چون رسمی‌تر و تأثیرگذارتر هستند کاربرد بیشتری نسبت به کنش‌های مستقیم در سخنرانی دارد. کنش اعلامی جایگاه بعدی را به خود اختصاص داده و گوینده معتقد است که جنگ تموز شرایط جدیدی را برای لبنان و صهیونیست در سطح بین‌المللی رقم زده است و آن موارد را در متن سخنرانی اعلام می‌کند. کاربرد کنش عاطفی در سخنرانی به میزان قابل ملاحظه‌ای برای هجو صهیونیست است. سید نصرالله با این کنش در صدد است مخاطبان را از نا به کارآمدی نقشه‌های صهیونیست آگاه و ضعف صهیونیست‌ها را اثبات کند. کنش تعهدی در سخنرانی مذکور به کار رفته است؛ اما میزان استفاده از آن در مقایسه با دیگر کنش‌ها در سطح بالایی نیست و دبیر کل حزب الله برای تهدید دشمن و وعده دادن به توده مردم از کنش تعهدی در سخنان خود بهره می‌گیرد.

سید حسن نصرالله به عنوان یک خطیب بزرگ هنرنمایی خود را در کاربست کنش‌های گفتاری گوناگون به نمایش گذاشته و تنوع کنش‌ها در این سخنرانی بیانی آمیخته با اقتدار را نشان می‌دهد. در نتیجه گفتمان سیاسی را اثر بخش و پرنفوذ و مهارت سخنوری سید نصرالله را اثبات می‌کند. گوینده با استفاده از همه کنش‌ها در صدد نشان دادن قدرت حزب الله، ضربه وارد کردن بر دشمن و همچنین در پی تحقق اهداف سیاسی خویش بر ضد دشمن است.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵ش)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ج ۵، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- بابائی، راضیه، زاهد غفاری هاشجین (۱۳۹۸ش)، «نقش رهبری سید حسن نصرالله در به‌کارگیری قدرت هوشمند حزب الله در مواجهه با مخالفان»، *دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۷، ش ۱، (پیاپی ۱۴)، ۲۰۳ - ۲۳۴.
- چپمن، شیوان (۱۳۸۴ش)، *از فلسفه به زبان‌شناسی*، ترجمه حسین صاف، تهران: گام نو.

الزركشي، بدرالدين، محمد بن عبدالله (١٩٨٤)، البرهان في علوم القرآن، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، الطبعة الثالثة، القاهرة: مكتبة دار التراث.

السامرائي، فاضل صالح (٢٠٠٠)، معاني النحو، ج٤، عمان: دار الفكر.
سيروان أنور، مجيد (٢٠١٣)، النصية في لغة الإعلام السياسي، الطبعة الأولى، اردن: عالم الكتب الحديث للنشر و التوزيع.

شفقي، مريم (١٣٩٢ش)، «كنش گفتاری وعده و وعده در گفتمان سیاسی»، فصلنامه جستارهای زبانی، شماره ٢، (پیاپی ١٤)، ١٤١ - ١٥٨.

الشهري، عبدالهادي بن ظافر (٢٠٠٤)، استراتيجيات الخطاب؛ مقاربة لغوية تداولية، بيروت-لبنان: دار الكتب الجديد المتحدة.

صفوی، کوروش (١٣٨٤ش)، از زبان شناسی به ادبیات، تهران: هرمس.

طباطبایی، محمد حسین (١٣٩٨ش)، سنن النبى، تهران: پیام بهاران.

عكاشة، محمود، (٢٠٠٥)، لغة الخطاب السياسي، دراسة لغوية تطبيقية في ضوء نظرية الاتصال، مصر: دار النشر الجامعات.

عمر، احمد مختار، عمل فريق (٢٠٠٣)، معجم اللغة العربية، الطبعة الرابعة، مصر: مكتبة الشروق الدولية.
فر کلاف، نورمن (١٣٧٩ش)، تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرامپور، رضا ذوقدار مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی، محمد جواد غلامرضا کاشی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
کالانتري، عبدالحسين (١٣٩١ش)، گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی، چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.

کوک، گای (١٣٨٨ش)، زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه مصطفی حسرتی، فربا غضنفری و عامر غیطوری، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی کرمانشاه.

مشتنل، فاطمة الزهراء، خديجة حساينية، نسيمه نابي (٢٠٢٠)، الخطاب السياسي في الجزائر خطابات القايد صالح أنموذجاً-دراسة تداولية، الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية، وزارة التعليم العالي و البحث العلمي، جامعة العربي بن مهيدي- أم البواقي.

نورگرا، نينا (١٣٩٣ش)، فرهنگ سبک‌شناسی، ترجمه احمد رضایی جمکرانی، مسعود فرهمندفر، تهران: مروارید.

یار محمدی، لطف الله (۱۳۹۵ش)، تجزیه و تحلیل مقابله‌ای گفتمان‌شناختی، زبان فارسی و انگلیسی در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی، تهران: انتشارات هرمس.

یول، جورج (۱۳۸۵ش)، کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی، منوچهر توانگر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

منابع انگلیسی

Verschueren. Jeff (2003). Understanding Pragmatics: London:Arnold.

منابع الکترونیکی

موقع المنار، ۲۰۱۶: www.almanar.com.lb
www.tasnimnews.Com

پیش انتشار

References

- Aghagolzadeh, Ferdows (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1994). *Lisan al-Arab* (Vol. 5, 3rd ed.). Beirut: Dar Sadir.
- Babaei, Razieh & Zahed Ghaffari Hashjin (2019). "The Leadership Role of Sayyed Hassan Nasrallah in Employing Hezbollah's Smart Power Against Opponents". *Biannual Journal of Political Sociology of the Islamic World*, 7(1), 203-234.
- Chapman, Siobhan (2005). *From Philosophy to Linguistics* (Hossein Saf, Trans.). Tehran: Gam-e No.
- Al-Zarkashi, Badr al-Din Muhammad ibn Abdullah (1984). *Al-Burhan fi 'Ulum al-Qur'an* (Muhammad Abul-Fadl Ibrahim, Ed., 3rd ed.). Cairo: Dar al-Turath Library.
- Al-Samarrai, Fadhil Salih (2000). *Ma'ani al-Nahw* (Vol. 4). Amman: Dar al-Fikr.
- Sirwan Anwar, Majid (2013). *Textuality in the Language of Political Media* (1st ed.). Jordan: Modern Book World for Publishing and Distribution.
- Shafiei, Maryam (2013). "The Speech Act of Promise and Threat in Political Discourse". *Journal of Linguistic Inquiries*, 2(14), 141-158.
- Al-Shahri, Abdulhadi ibn Dhafir (2004). *Discourse Strategies: A Linguistic-Pragmatic Approach*. Beirut, Lebanon: United New Books Press.
- Safavi, Kourosh (2005). *From Linguistics to Literature*. Tehran: Hermes.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (2019). *Sunan al-Nabi*. Tehran: Payam-e Baharan.
- Akkasha, Mahmoud (2005). *The Language of Political Discourse: A Comparative Linguistic Study in Light of Communication Theory*. Egypt: University Publishing House.
- Omar, Ahmed Mokhtar & Team (2003). *Dictionary of the Arabic Language* (4th ed.). Egypt: International Al-Shorouk Library.
- Fairclough, Norman (2000). *Critical Discourse Analysis* (Translators: Fatemeh Shayesteh Piran, et al., 1st ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Media Studies and Research Center.
- Kalantari, Abdulhossein (2012). *Discourse from Three Perspectives: Linguistic, Philosophical, and Sociological* (1st ed.). Tehran: Sociologists.

Cook, Guy (2009). *Applied Linguistics* (Translators: Mostafa Hasrati, Fariha Ghazanfari, Amer Gheythouri). Kermanshah: Razi University Press.

Mashtal, Fatima al-Zahra, Khadija Hosseiniya, Nasima Nabi (2020). *Political Discourse in Algeria: The Speeches of Leader Saleh as a Model – A Pragmatic Study*. People's Democratic Republic of Algeria, Ministry of Higher Education and Scientific Research, University of Larbi Ben M'hidi - Oum El Bouaghi.

Norga, Nina (2014). *Dictionary of Stylistics* (Translators: Ahmad Rezaei Jamkarani, Masoud Farahmandfar). Tehran: Morvarid.

Yarmohammadi, Lotfollah (2016). *Contrastive Cognitive Discourse Analysis: Persian and English within the Framework of Critical Linguistics*. Tehran: Hermes Publications.

Yule, George (2006). *Pragmatics* (Translators: Mohammad Amouzadeh Mahdiyeji, Manouchehr Tavangar). Tehran: SAMT.

پیش
انشار

The Representation of Power in Sayyed Hassan Nasrallah's Speech Based on Speech Act Theory

Rouhollah Sayadinezhad¹, Zeynab Rahimimoghadam²

1. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign languages, Kashan University, Kashan, Iran, saiady@kashanu.ac.ir

2. Ph. D student of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign languages, Kashan University, Kashan, Iran, rahimizanab@yahoo.com

Abstract

Discourse analysis is a branch of linguistics that examines language within its social and cultural context. In discourse analysis, the goal is not merely to understand words, but to uncover the power, ideology, and hidden relationships behind speech. It reveals how language can be a tool for domination, resistance, or persuasion. This approach, by combining linguistics, sociology, and philosophy, studies meaning in real human interactions. In discourse analysis, the text alone is not sufficient; the context, speaker, audience, and purpose of the speech are also important. Discourse analysis operates on a level beyond purely linguistic analysis; it examines how each speech act, within its specific text and situation, influences power relations, identity, and meaning. Therefore, the authors aim, with the goal of representing power in the political speech of Sayyed Hassan Nasrallah on the tenth anniversary of the victory in the July War, using a qualitative approach and descriptive-analytical method, to apply the theory of speech acts to his speech. Consequently, data collection involved selecting concrete samples based on electronic research. The findings of the study indicate that declarative acts and commissive acts had the highest and lowest frequency respectively in this speech. Nasrallah's directive speech acts, using the language of invitation, encouragement, and sometimes warning, call his audience to steadfastness, unity, and resistance. The nature of these acts is to arouse collective resolve and sustain the discourse of resistance. Through his expressive acts, he strengthens the emotional bond between the leader and the people, making the discourse more human. By intelligently combining directive, commissive, declarative, expressive, and representative acts, Nasrallah constructs a discourse that is simultaneously rational, emotional, and ideological, serving to solidify the identity of resistance.

Keywords: Sayyed Hassan Nasrallah, Speech Acts, Political Discourse, Power, Tammuz War (July War).

نسخه پیش انتشار